

پناهیان: براساس قرآن، همه‌چیز در دنیا برای امتحان ما طراحی شده / فرق دستورات دین با مقررات

رانندگی این است که دستورات دین برای امتحان است نه صرفاً نظم دادن

پناهیان: باید سعی کنیم این نگاه را به زندگی داشته باشیم که همه‌چیز در دنیا برای امتحان ما طراحی شده، باید این عینک را به چشم خودمان بزنیم و همه‌چیز را با عینک امتحان نگاه کنیم. در واقع زندگی دنیا فقط برای امتحان است؛ در دنیا نه عشق درست و حسابی هست و نه لذت درست و حسابی هست و نه حتی رنج و عذاب درست و حسابی هست، اگر در این دنیا بخواهند کسی را عذاب دهند و مثلاً دست و پایش را قطع کنند، یک مقدار که دردش زیاد شود، از هوش می‌رود و دیگر درد نمی‌کشد. یعنی رنج و عذاب واقعی هم در آخرت است. در دنیا همه چیز برای امتحان است و هیچ چیزی اصالت ندارد.

حجت الاسلام علی‌رضا پناهیان به مدت ده شب در دانشگاه امام صادق(ع) با موضوع: «**تعیین‌کننده‌ترین عامل در مقدرات بشر**» سخنرانی می‌کند. این سخنرانی هر روز ساعت «شش و ده دقیقه» صبح از شبکه دوم سیما پخش می‌شود. بخش‌هایی از **چهارمین جلسه** این سخنرانی را در ادامه می‌خوانید:

در دنیا موفقیت برای ما فقط «موفقیت در امتحان الهی» است / سایر موفقیت‌های زندگی ابزار ما برای

امتحان هستند

وقتی محور مقدرات ما، محور ارسال انبیاء و محور دستورات دین «امتحان گرفتن از ما» باشد، معنایش این خواهد بود که دیگر در دنیا اصل بر رنج کشیدن یا آسودگی ما نیست، دیگر کسی در این دنیا نباید دنبال «موفقیت»، «آسایش» و «نعمت» باشد، حتی دیگر کسی نباید دنبال «رنج و زجر کشیدن» یا «خودزنی و سختی دادن به خود» باشد.

بنا نیست ما در این دنیا دنبال «موفقیت» باشیم؛ یعنی نباید دنبال این باشیم که به آن نقطه مطلوبی که در نظر گرفته‌ایم، برسیم. نقطه مطلوب برای ما «درست امتحان دادن» است و موفقیت برای ما فقط موفقیت در امتحان الهی است و بقیه‌اش نباید برای ما اهمیت داشته باشد. البته در این میدان بازی زندگی، باید برنامه‌ریزی و تدبیر داشته باشیم و باید موفقیت‌های زندگی را هم دنبال کنیم اما همه اینها را باید ابزارهای خودمان در بازی امتحان تلقی کنیم.

نگاه امتحانی داشتن به زندگی و بندگی با نگاه غیر امتحانی داشتن به زندگی و بندگی کاملاً متفاوت است. بر اساس نگاه امتحانی، تو نباید بگویی: «من می‌خواهم نفر اول نماز شب‌خوان‌های عالم بشوم!» چون ممکن است خداوند به اقتضای دستگاه امتحان، تو را در شرایطی قرار دهد که به خاطر برخی مصالح، لازم باشد از خواندن نماز شب صرفنظر کنی و حتی نمازهای یومیّه خودت را هم پنهانی بخوانی، در این صورت تو نباید گله‌مند شوی که چرا این‌طوری شد؟! تو اصلاً بنا نیست در این دنیا به خواسته‌ای برسی، بلکه بناست امتحان پس بدهی و مافی‌الضمیر خودت را نشان دهی و در مقام امتحان پس دادن، انتخاب‌های شایسته خودت را رو کنی. می‌دانید که آیت الله بهجت(ره) به خاطر دستور پدرشان به ترک مستحبات و پرداخت به درس، تا زمانی که پدرشان زنده بودند، نماز شب نخواندند. (مصاحبه پسر آیت الله بهجت: «تا پدرش زنده بود نماز شب نخواند. این را یقین داریم.» پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه،

مقصد و هدف نهایی «لقاء الله»، هدف میانی «عبادت»، و اولین هدف عملیاتی «امتحان» است / همه‌چیز در

دنیا برای امتحان ما طراحی شده

وقتی می‌گوییم محور مقدرات الهی «امتحان» است یعنی اگر به تو سختی بدهند برای امتحان است، و اگر آسایش بدهند باز هم برای امتحان است. بر این اساس وقتی بلا بر سرمان آمد نباید بگوییم: «خدا مرا خوار کرد؛ ربّی آهنان» (فجر/۱۶) و اگر به ما نعمت دادند نباید بگوییم: «خدا مرا اکرام کرد؛ ربّی اکرمَن» (فجر/۱۵) نه! هر دوی اینها امتحان است و خداوند در قرآن کریم چنین نگاهی را نفی کرده‌اند. اگر بین خودمان و دیگران تفاوت‌هایی دیدیم نگوئیم این تبعیض است و این با عدالت خدا تناقض دارد! نه تنها محور تقدیر ما امتحان است بلکه محور تکلیف ما نیز امتحان است. یعنی دین هم چیزی نیست جز یک طرح و برنامه برای امتحان گرفتن از ما.

امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «مال و فرزند را ملاک خشم و خشنودی خداوند مپندارید که این ناشی از جهل شما به امتحان و آزمایش الهی در توانگری و قدرتمندی است؛ «لَا تَعْتَبِرُوا الرِّضَا وَ السُّخْطَ بِالْمَالِ وَ الْوَالِدِ، جِهَالاً بِمَوَاقِعِ الْقِتْنَةِ وَ الْاِخْتِيَارِ فِي مَوْضِعِ الْعَيْنِ وَ الْاِقْتِدَارِ» (نهج البلاغه/خطبه ۱۹۲)

می‌توان گفت: **اولین هدف عملیاتی خلقت بشر «امتحان» است** که فرمود: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ» (ملک/۲). **هدف میانی خلقت نیز «عبادت و بندگی» است** که فرمود: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/۵۶) و **مقصد و هدف نهایی خلقت، «لقاء الله» است** که فرمود: «إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَأَقِيهِ» (انشقاق/۶) و «إِنَّا إِلَهُهُ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶). به تعبیر دیگر، هدف ابتدایی خلقت که ما عملاً در این دنیا با آن مواجه هستیم، امتحان است. همه برنامه‌های این دنیا برای امتحان است؛ هر چیزی که می‌بینیم و نمی‌بینیم برای امتحان است. خداوند می‌فرماید: «وَمَا هُمْ بِبَدَّانٍ رَّا مَوْرِدِ اِبْتِلَاءِ قَرَارِ مِيْهِمِ وَ اِمْتِحَانِ مِيْ كُنِيْمِ؛ وَ اِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِيْنَ» (مؤمنون/۳۰)

باید سعی کنیم این نگاه را به زندگی داشته باشیم که همه‌چیز در دنیا برای امتحان ما طراحی شده، باید این عینک را به چشم خودمان بزنیم و همه‌چیز را با عینک امتحان نگاه کنیم، نه با عینک راحت‌طلبی، عافیت‌طلبی و امثال آن. بسیاری از افراد مذهبی و متدین که دینداری می‌کنند و مشکلی با دین و اعتقادات ندارند، حتی برخی از افراد انقلابی، اصلاً عینک امتحان به چشم‌شان نیست و بدون توجه به موضوع مهم امتحان دارند در صحنه‌ها و عرصه‌های مختلف حرکت می‌کنند. مثلاً هر کسی در هر دوره‌ای در انتخابات پیروز می‌شود برای امتحان است، هم برای خودش امتحان است و هم برای بقیه امتحان است.

چه پیروز شدیم و چه پیروز نشدیم، همه‌اش امتحان است / نتایج این‌دنیایی نباید ما را دچار اشتباه کند

همان‌طور که در جلسه قبل گفتیم، تمام عوامل مؤثر بر مقدرات آنجایی که در اختیار ما نیست و حتی آنجایی که در اختیار ما قرار دارد، فقط به این شرط اثربخش خواهد بود که «دستگاه امتحان» اجازه اثر بدهد. یعنی **ما از روی نتیجه نمی‌توانیم تشخیص دهیم که آیا درست عمل کرده‌ایم یا نه. اصلاً ممکن است ما درست و دقیق عمل کرده باشیم، اما به دلیل اینکه دستگاه امتحان به ما اجازه نداده، به نتیجه نرسیم.** همین‌طور برعکس؛ یعنی ممکن است یک فرد یا گروهی درست عمل نکرده باشند، ولی به خاطر اینکه دستگاه امتحان اجازه داده، به نتیجه برسند و

عیب‌هایش پنهان بماند. در این موارد معمولاً عوام می‌گویند: «شانسی به نتیجه رسیدی یا فرصت الکی یا شانس به دست آوردی و پیروز شدی» ولی خواص و افراد آگاه می‌گویند: «به نتیجه رسیدن در امور دنیایی لزوماً به تلاش ما و به درست عمل کردن ما بستگی ندارد، چون گاهی دستگاه امتحان به ما اجازه می‌دهد که با وجود عملکرد نادرست به نتیجه برسیم تا در همین نتیجه از ما دوباره امتحان بگیرد در یک جایی هم ممکن است کاملاً به وظیفه خودمان عمل کنیم ولی به نتیجه نرسیم، در اینجا نباید احساس شکست کنیم، چون به وظیفه خود عمل کرده‌ایم.»

• حتی این نگاه که «آیا خدا از ما قبول می‌کند و به عمل ما نتیجه می‌دهد؟!» نیز نگاه اشتباهی است چون ممکن است خدا عمل ما را قبول کند ولی نتیجه این دنیایی به عمل ما ندهد. برعکس؛ ممکن است قبول نکند و نتیجه این دنیایی بدهد. ثمرات کارهای ما اکثر آن دنیایی است لذا نباید دنبال ثمرات و نتایج دنیایی باشیم. ثمرات این دنیایی کارهایمان نیز نباید ما را دچار اشتباه کند، چون گاهی به وظیفه خودمان درست عمل نمی‌کنیم ولی خدا به ما ثمره دنیایی می‌دهد. باید بدانیم که چه پیروز شدیم و چه پیروز نشدیم، همه‌اش امتحان است.

• چرا مسلمان‌ها در جنگ بدر پیروز شدند؟ آیا فقط به خاطر اینکه خیلی خالصانه و خوب جنگیدند، پیروز شدند؟ نه! دو مسأله مؤثر بود: یکی اینکه مسلمان‌ها خالصانه جنگیدند و دیگر اینکه دستگاه امتحان الهی به آن‌ها اجازه داد که پیروز شوند، و الا علی‌رغم عملکرد خوبشان، شکست می‌خوردند. لذا خداوند درباره جنگ بدر فرمود: این «بلاء حسن» یا «آزمایش نیکو» بود (و یٰۤاَيُّهَا الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا؛ انفال/۱۷) یعنی این پیروزی در جنگ هم امتحان بود، برای اینکه خداوند ببیند بعد از این پیروزی چگونه برخورد می‌کند، مثلاً آیا مغرور می‌شوند یا نه! یعنی خداوند این بار خواست مسلمین را با پیروزی امتحان کند. حتی بحث این نبود که چون مخلصانه عمل کردند خداوند خواست به عنوان پاداش این رفتار مخلصانه پیروزی نصیبشان شود.

نگاه به نقش امتحان در تعیین مقدرات ما، تا حدّ زیادی ما را از خودبینی و تکبر دور می‌کند

• اگر به زندگی و بندگی خودمان چنین نگاهی داشته باشیم، کاملاً وابسته و آویزان خدا خواهیم شد! اصلاً نگاه به مقدرات تا یک درجه‌ای انسان را «بی‌خود» می‌کند و نگاه به امتحان که تعیین‌کننده‌ترین عامل در مقدرات انسان است، تا حدّ بسیار زیادی انسان را «بی‌خود» می‌کند، یعنی از خودبینی، عُجب، غرور و تکبر دور می‌کند.

• گاهی اوقات دستگاه امتحان خدا به یک بنده خوب، اجازه نمی‌دهد یک کار خوبی را که قصدش را داشته، انجام دهد. مثلاً گاهی خدا اجازه نمی‌دهد یک بنده خوب نماز شب بخواند، بلند شود و نماز شب بخواند، چون الان دستگاه امتحان الهی می‌گوید او اگر الان برای نماز شب بلند شود، دچار عُجب شده و خراب می‌شود لذا به او چنین اجازه‌ای نمی‌دهد. چون دستگاه امتحان می‌گوید: این بنده هنوز بلد نیست امتحان عُجب را درست پس بدهد لذا اگر یک مقدار دیگر نماز شب بخواند دچار عُجب می‌شود و خراب می‌شود هنوز ظرفیت لازم را پیدا نکرده، لذا فعلاً امتحان عُجب نباید از او گرفته شود. (قال رسول الله ص: وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يَجْتَهِدُ فِي عِبَادَتِي فَيَقُومُ مِنْ رَقَادِهِ وَ لَدَيْهِ وَسَادِهِ فَيَتَهَجَّدُ لِي اللَّيْلِيَّ فَيَتُعَبُّ نَفْسَهُ فِي عِبَادَتِي فَأَضْرِبُهُ بِالنَّعَاسِ اللَّيْلَةَ وَ اللَّيْلَتَيْنِ نَظَرًا مِنِّي لَهُ وَ إِتْقَاءً عَلَيْهِ فَيَنَامُ حَتَّىٰ صُبْحُ فَيَقُومُ وَ هُوَ مَاقَتَ لِنَفْسِهِ زَارِيٌّ عَلَيْهَا- وَ لَوْ أَحَلَّتْ يَبْنُهُ وَ بَيْنَ مَا يُرِيدُ مِنْ عِبَادَتِي لَدَخَلَتْهُ الْعُجْبُ مِنْ ذَلِكَ فَيُضَيِّرُهُ الْعُجْبُ

إِلَى الْفِتْنَةِ بِأَعْمَالِهِ فَيَأْتِيهِ مِنْ ذَلِكَ مَا فِيهِ هَآكُةٌ لِعُجْبِهِ بِأَعْمَالِهِ وَ رِضَاةٌ عَنْ نَفْسِهِ؛ کافی/۲/۶۰) یعنی اگر نماز شب بخواند و بعد خودش را به خاطر محروم شدن از نماز شب، مذمت کند خیلی بهتر از این است که نماز شب بخواند و بعد دچار عُجب شود.

به افراد خودخواه و متکبر برمی‌خورد که چرا خدا این قدر در امور زندگی‌شان دخالت دارد؟!

• وقتی می‌بینیم که مقدرات الهی این‌گونه ما را احاطه کرده‌اند معنایش این نیست که جبری مسلک بشویم و کارهای خود را تعطیل کنیم و برویم یک گوشه بنشینیم. بعضی‌ها وقتی می‌بینند که خیلی از امورشان دست خداوند است و دخالت خدا در امور زندگی‌شان زیاد است، می‌گویند: «پس دیگر چرا تلاش و برنامه‌ریزی کنیم؟ اصلاً همه‌چیز را رها می‌کنیم!» کسانی که این‌گونه فکر می‌کنند، معمولاً خودخواه و متکبر و متفرعن هستند، چون بهشان برمی‌خورد که خدا این قدر در امور زندگی‌شان دخالت دارد و گاهی تصمیم‌ها و برنامه‌ریزی‌هایشان را بهم می‌زند. لذا می‌گویند حالا که خیلی از امور ما دست خداست و خیلی اوقات خدا برنامه‌ریزی‌های ما را خراب می‌کند، من دیگر برنامه‌ریزی و اقدام نمی‌کنم! در حالی که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «خدا را با به هم خوردن تصمیم‌ها و گشوده شدن عزمها شناختیم؛ عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِفَسْحِ الْعَزَائِمِ وَ حُلِّ الْعُقُودِ وَ تَقْضِ الْهَمَمِ؛ نهج البلاغه/حکمت ۲۴۹)

• اگر بنا بود ما برای خودمان برنامه‌ریزی نکنیم و طبق برنامه خودمان اقدام عملی انجام ندهیم و فقط امتحان پس بدهیم و توکل بر خدا کنیم، کارمان خیلی آسان‌تر از الان بود. اصلاً زیبایی توکل به این است که انسان برنامه‌ریزی و اقدام کند، بعد توکل کند لذا خداوند به ما فرموده است که برای خودمان برنامه‌ریزی کنیم و گاهی به کارمان هم اثر می‌دهد، اما در این میان گاهی اوقات حال ما را می‌گیرد و به کارمان اثر نمی‌دهد تا ما را امتحان کند.

چگونه می‌شود خدا را دید؟/ خدا از طریق امتحان، لحظه به لحظه دارد با ما زندگی می‌کند

• اگر به امتحانات الهی در متن زندگی خودمان درست نگاه کنیم، کم‌کم می‌توانیم خدا را در متن این امتحانات ببینیم و کم‌کم می‌توانیم درک کنیم که عالم محضر خداست. وقتی حضرت امام (ره) فرمود: «عالم محضر خداست. در محضر خدا معصیت خدا نکند» (صحیفه امام/۱۳/۴۶۱) این مطلب را به عرفایی که اهل کشف و شهود هستند نفروند، بلکه به افرادی عادی مثل خودمان فرموده است. ولی ما که اهل شهود قلبی نیستیم چگونه باید ببینیم عالم محضر خداست؟! یک راه بیشتر ندارد؛ اگر در معادله امتحان قرار بگیریم و عالم را با نگاه امتحان الهی ببینیم، در این صورت می‌توانیم حضور خدا را در متن زندگی خودمان حس کنیم و ببینیم، می‌توانیم فعل خدا و تمایلات و خواسته‌های پروردگار را از خودمان ببینیم.

• چگونه می‌شود خدا را دید؟ آیا برای دیدن خدا باید برویم دعا کنیم، التماس کنیم تا خودش را به ما نشان بدهد؟ آیا با اجرا کردن دستورات الهی می‌توانیم خدا را ببینیم؟ بله، هر کدام از اینها یک سهمی در نشان دادن خدا به ما دارند، اما ما می‌توانیم با «امتحان» خدا را ببینیم، و خدا را در آیینة امتحان‌هایی که می‌گیرد ببینیم. اگر با امتحان خدا را ببینیم، به تعبیری اخلاق خدا و خواسته‌های خدا دستمان می‌آید. خدا از طریق امتحان، لحظه به لحظه دارد با ما زندگی می‌کند و هر لحظه دارد از ما امتحان می‌گیرد. اگر با این نگاه با خدا زندگی کنیم، کم‌کم خدا را می‌شناسیم و بر اساس نوع امتحاناتی که از ما می‌گیرد می‌فهمیم خدا نسبت به چه اموری حساس است. چون ما تا وقتی با کسی زندگی نکنیم نمی‌توانیم او را خوب بشناسیم.

باید همه زندگی را با «عینک امتحان» ببینیم / در این دنیا، همه چیز امتحان است

- خداوند کاملاً فعال است و هر لحظه دارد با دستگاه امتحانش، با ما تعامل می‌کند. خدای منهای امتحان، خدای غیر فعال است و خدایی است که نمی‌توانیم با او زندگی کنیم. باید در همه لحظات زندگی خودمان عینک امتحان به چشم بزنیم و همه زندگی‌مان را با نگاه امتحان ببینیم.
- امتحانات انسان‌ها دایره بسیار گسترده‌ای دارند. در این دنیا، همه چیز امتحان است. مثلاً خدا به ما نعمت نمی‌دهد به خاطر اینکه یک نفسی تازه کنیم و بعدش دوباره به ما بلا بدهد! بلکه نعمت می‌دهد تا امتحان کند و ببیند در نعمت چگونه هستیم، بلا هم می‌دهد تا ما را امتحان کند. همه روابط بین انسان‌ها امتحان است. همه دوستی‌ها و دشمنی‌های زندگی امتحان است.
- گاهی خداوند یک کسی را - مثلاً به خاطر عیب‌هایی که دارد- مأمور می‌کند تا به سراغ ما بیاید و ما را اذیت کند و ما نباید کینه او را به دل بگیریم، چون بنا بوده که ما این امتحان را پس بدهیم و او هم وسیله‌ای است که خدا از طریق او از ما امتحان گرفته است. باید تمام تلاشمان این باشد که این امتحان را به خوبی پس بدهیم، نه اینکه از کسی که وسیله این امتحان بوده، کینه به دل بگیریم.
- در این دنیا همه روابط اجتماعی و حتی خانوادگی وسیله امتحان هستند. حتی فرزندان ما هم وسیله امتحان ما هستند. (وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ؛ انفال/۲۸) امیرالمؤمنین (ع) فرمود: کسی از شما دعا نکند که خدا یا! از امتحان به تو پناه می‌برم! چون کسی نیست مگر اینکه مشمول امتحان شود. خداوند می‌فرماید: «بدانید که اموال و فرزندان ما به امتحان شما هستند»؛ لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ مُشْتَمِلٌ عَلَيَّ فِتْنَةٍ وَ لَكِنْ مَنْ اسْتَعَاذَ فَلَيْسَ يُعَذِّبُ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ - وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ (نهج البلاغه/حکمت ۹۳)
- اصلاً بنا نیست کسی در این دنیا زندگی کند! زندگی این دنیا لهو و بازی است، زندگی واقعی در عالم آخرت است «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَبِءٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ» (عنکبوت/۶۴) در واقع زندگی دنیا فقط برای امتحان است؛ در دنیا نه عشق درست و حسابی هست و نه لذت درست و حسابی هست و نه حتی رنج و عذاب درست و حسابی هست، اگر در این دنیا بخواهند کسی را عذاب دهند و مثلاً دست و پایش را قطع کنند، یک مقدار که دردش زیاد شود، از هوش می‌رود و دیگر درد نمی‌کشد. یعنی رنج و عذاب واقعی هم در آخرت است. در دنیا همه چیز برای امتحان است و هیچ چیزی اصالت ندارد. مثلاً اینکه ما در این دنیا غذا می‌خوریم، همین غذا خوردن هم مایه امتحان است. - با عرض معذرت- حتی اینکه مجبور هستیم، به دستشویی برویم هم مایه امتحان است. یعنی این طور نیست که دستشویی رفتن هم اصالت داشته باشد، چون خدا می‌توانست بدن انسان را طوری طراحی کند که نیاز به دفع ضایعات نداشته باشد و مثلاً ضایعات بدن از طریق یک عرق خوشبو در هوا پخش شود - مانند بدن بهشتیان - لذا امام باقر (ع) یکی از کاربردهای این خاصیت در بدن انسان را جلوگیری از دچار شدن انسان به خودبینی و تکبر برمی‌شمرد (عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الْغَائِطِ، فَقَالَ: تَصْنِيفاً لِلْبَيْنِ أَدَمَ لِكَيْلَا يَتَكَبَّرَ وَ هُوَ يَحْمِلُ غَائِطَهُ مَعَهُ؛ علل الشرائع صدوق/۱/۲۷۵) امیرالمؤمنین (ع) هم توجه به همین ضایعات را عاملی برای دفع عجب و تکبر می‌شمارد (مَا لِلْبَيْنِ أَدَمَ وَ الْعُجْبَ وَ أَوَّلُهُ نَظْفَةُ مَذْرُةٌ وَ آخِرُهُ حَيْفَةُ قَدْرَةٌ وَ هُوَ بَيْنَ ذَلِكَ يَحْمِلُ الْعَذْرَةَ؛ غررالحکم/ص ۶۹۶)

- آیا هیچ بخشی از زندگی ما هست که خدا در آن بخش به وسیله امتحان گرفتن با ما حرف نزند؟! نه. همه بخش‌های زندگی وسیله امتحان ما هستند. مثلاً خداوند می‌توانست در طراحی زندگی ما خواب را قرار ندهد. یکی از امتحانات خواب این است که ببیند آیا ما سحرها برای نماز بیدار می‌شویم یا نه! اصلاً شیرین بودن خواب برای این است که خدا ببیند آیا ما حاضر هستیم از این شیرینی خواب برای خدا صرفنظر کنیم؟!

آیا تا بحال از خدا پرسیده‌ایم که «خدا یا! تو از من چه می‌خواهی؟» / خدا با ما به زبان امتحان سخن می‌گوید

- این همه به درگاه خدا رفته‌ایم و از خدا چیزهای زیادی خواسته‌ایم اما آیا تا بحال یک‌بار از خدا پرسیده‌ایم که «خدا یا! تو از من چه چیزی می‌خواهی؟ من چه چیزی باید از خودم نشان دهم؟» آیا این سؤال را از خدا این قدر پرسیده‌ای تا کار به «قربانی اسماعیل» کشیده شود؟! حضرت ابراهیم (ع) آن قدر با زبان امتحان با خدا صحبت کرد و امتحانات را پشت سر گذاشت تا کارش به قربانی اسماعیل (ع) کشیده شد. مدام در خانه خدا رفت و پرسید: خدا یا! تو از من چه چیزی می‌خواهی؟! خداوند که با زبان امتحان با هر کسی سخن می‌گوید، از ابراهیم (ع) امتحانات مختلفی گرفت تا کار به قربانی اسماعیل (ع) رسید. یعنی حضرت ابراهیم (ع) در هر مرحله از امتحاناتش فهمید که خدا از او چه می‌خواهد و درست جواب داد. لذا خداوند می‌فرماید: ما هر چه ابراهیم را امتحان کردیم و او را مبتلا کردیم او درست جواب داد «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ» (بقره/۱۲۴)
- اینکه حضرت ابراهیم (ع) در هر امتحانی «فهمید» خداوند دقیقاً از او چه می‌خواهد خیلی مهم است. ما باید در هر امتحانی بفهمیم خدا دقیقاً از ما چه می‌خواهد تا بتوانیم درست جواب دهیم. برای اینکه ما بفهمیم خدا هر لحظه از ما چه می‌خواهد ابتدا باید بدانیم که داریم در دار ابتلا و امتحان زندگی می‌کنیم و در این دنیا هیچ خبر دیگری غیر از امتحان نیست.

فرق دستورات دین با مقررات رانندگی این است که دستورات دین برای امتحان است نه صرفاً نظم دادن

- مقررات راهنمایی رانندگی برای ایجاد نظم و رفاه عمومی طراحی شده است نه برای امتحان گرفتن از ما که آیا مثلاً از چراغ قرمز عبور می‌کنیم یا نه! لذا اگر این مقررات را رعایت کنیم، پلیس با ما کاری ندارد و اگر رعایت نکنیم فقط جریمه می‌کند. اما دستورات دین این طوری نیستند. فرق دستورات دین با مقررات راهنمایی و رانندگی این است که «خدا چراغ را قرمز می‌کند تا ببیند تو چه کار می‌کنی و در این امتحان چگونه جواب می‌دهی» یعنی همه دستورات دین برای امتحان ما طراحی شده است، حتی مقررات ما هم برای امتحان ما طراحی شده است نه صرفاً نظم دادن به زندگی فردی یا اجتماعی ما.
- مثلاً در لحظه اذان، خداوند به تک‌تک ما دارد نگاه می‌کند تا ببیند در این امتحان چگونه رفتار می‌کند؛ آیا به خاطر نماز اول وقت حاضر است بلافاصله از فکر خود در بیاید، آیا حاضر است کاری که به شدت سرگرمش کرده رها کند، آیا حاضر است از خواب شیرین سحرگاه صرفنظر کند، آیا حاضر است از این حالی که در آن است خارج شود و به سراغ نماز برود. اذان هر دفعه می‌خواهد ما را از یک حالی در بیاورد و همین یک امتحان است.

